

تأثیر اشتغال زنان سرپرست خانوار

بر فرهنگ خانواده

www.ketab.ir

مؤلف:

پریسا پورزرگر لجور

سرشناسه: پورزرگر، پریسا، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: تاثیر اشتغال زنان سرپرست خانوار بر فرهنگ خانواده/ مولف پریسا پورزرگر لاجور.

مشخصات نشر: تهران - فرهوش - ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۲-۲۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: زنان در: زندگی اجتماعی - ایران

رده‌بندی کنفره: ۱۳۹۶ ت ۲ پ ۱۳۸۱/ HQ

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵-۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۰۰۰



تاثیر اشتغال سرپرست خانوار بر فرهنگ خانواده

پریسا پورزرگر لاجور



ناظر فنی: صدیقه طلایی

صفحه آرا: معین دلاوری

طراح جلد: علی عشقی

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال



کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر است.

آدرس: تهران - میدان انقلاب اسلامی - خیابان کارگر شمالی بالاتر از نصرت - پلاک ۱۱۴۶

تلفن: ۶۶۵۶۹۸۹۱ و ۶۶۹۳۱۶۶۹ دورنگار: ۸۹۷۸۴۵۵۸

وب سایت: www.hamyari.in

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۲	مقدمه
۱۵	فرهنگ پذیری
۱۶	مردم شناسی
۱۹	فرهنگ و فرهنگ پذیری
۲۲	تاریخچه مشاغل زنان سرپرست خانوار
۲۲	تاریخچه حضور زنان در بازار کار ایران
۲۵	سابقه حضور اجتماعی زنان در ایران و جهان
۲۵	موقعیت اجتماعی زنان در ایران
۳۶	دیدگاه‌ها
۳۷	نظریه کارکردگرایی
۴۰	کارکردگرایی ساختی (فونکسیونالیسم ساختی):
۴۴	دیدگاه مکتب ساختارگرایی
۴۶	نظریه کنش پیوسته
۵۰	نظریه کنش متقابل نمادین
۵۵	نتیجه‌گیری
۵۹	یافته های علمی از مصاحبه های جمع آوری شده
۵۹	پیشینه خانوادگی نامناسب و افسردگی
۶۱	وضعیت نامناسب فعلی و احساس نابرابری
۶۲	بررسی چگونگی اشتغال زنان سرپرست خانوار نسبت به فرهنگ نیازهای فرهنگی آنها

۶۳	بررسی چگونگی اشتغال زنان سرپرست خانوار و معاشرت آنها با دوستان و نیازهای اجتماعی آنها
۶۵	بررسی چگونگی نگرش زنان سرپرست خانوار از جامعه و حمایت مسئولین اجتماعی از آنها
۶۶	بررسی چگونگی اشتغال زنان سرپرست خانوار بر نحوه تحصیل و اشتغال فرزندان
۶۷	احساس بی‌انصافی
۷۰	ضمایم
۷۱	مصاحبه‌ها
۸۷	اشتغال زنان سرپرست خانوار از دریچه دوربین
۹۲	منابع و مآخذ

پیشگفتار

برنامه مشاغل زنان سرپرست خانوار سبب ایجاد قابلیت در افراد گروه‌های محروم برای مشارکت فعال و آگاهانه در تامین رفاه فردی و اجتماعی می‌شود، اگر چه برنامه اشتغال زنان سرپرست خانوار در قلمرو حمایت‌های اجتماعی است. با توجه به این که هدف نهایی آن منجر به فقرزدایی می‌شود. برنامه‌های اشتغال زنان سرپرست خانوار در مراکز حمایتی حائز اهمیت می‌باشد که ترویج تفکر نوین برای تولید بیشتر و آموزش و فرهنگ سازی برای ایجاد کار در بخش‌های مختلف جامعه و اهدافی که نهادهای حمایتی در پیش رو دارد.

یکی از آن اهداف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق ترویج فکرهای نو آموزش‌های مهارتی، رای فعالیت در بخش‌های اقتصادی ارتقای آگاهی زنان سرپرست خانواده و بهبود سطح رفاه آنها، با استواری برای اقدامات بعدی در تامین نیازهای راهبردی و حذف نابرابری‌ها در جامعه می‌نمود.

زنان سرپرست خانوار در مشاغل مختلف به منظور کنترل بیشتر بر زندگی خویش و افزایش دامنه انتخاب و تقاضای خدمات بیشتر و بهره‌مند شدن از آن است، نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی نمود. در جهت این پویایی بی تردید زنان به‌عنوان یکی از جمعیت تاثیر مثبتی در توسعه و فرهنگ جامعه دارند.

از آنجا که طبق تحقیقات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۹۰ زنان سرپرست خانوار ۸/۹ درصد خانوارهای دیگر این را به خود اختصاص می‌دهند، رقم قابل توجهی محسوب می‌شود.

فرهنگ به منزله‌ی یک کمیت سابقه مشخص و طولانی دارد، افراد عادی این مفهوم را به مشابه کلمه‌ای برای نشان دادن فرهیختگی به کار می‌برند. مانند وقتی که می‌گوییم شخصی خیلی با فرهنگ است. این کلمه از سوی مردم شناسان برای اشاره به آداب و رسوم اجتماعات گوناگون به کار گرفته شده است؛ بیشتر مردم از چیرستی فرهنگ درکی ضمنی دارند. اما در

تعریف انتزاعی آن با مشکل مواجه هستند. در مورد این که فرهنگ چیست؟ نظرات کاملاً متفاوتی وجود دارد؛ صاحب‌نظران مختلف تعاریف متفاوتی از فرهنگ را بیان می‌کنند.

برای نمونه ساترلند اشاره می‌کند: «فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتوان از منبعی به منبع دیگر منتقل شود». یعنی همان میراث اجتماعی و کلیت جامعی که شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزار سازی و کاربرد آن‌ها و روش فرستادن آن‌ها بیان می‌شود.^۱ «ادوارد تایلر مردم شناس انگلیسی، فرهنگ و تمدن را به یک معنا و مفهوم به کار برده است و فرهنگ را مجموعه‌ای از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه، قابیلیت‌ها و عاداتی هسته که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه می‌پذیرد».^۲ آنتونی گیدنز^۳ در تعریفی در بیش مساوت از دیگران فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی انسان یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن آن‌ها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی "گوای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، همه را دربر می‌گیرد. همچنین شامل کنایه‌هایی می‌شود که تولید می‌کنند و برای آن‌ها مهم است. مانند تیر و کمان، خیش، تارخانه و ماشین، کامپیوتر، کتاب و مسکن» و در تعریفی دیگر چنین می‌گوید: «فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آن‌که هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند».^۴

برخی از اندیشمندان، فرهنگ را در کل مفهومی وصف گرایانه به معنای گنجینه‌ای انباشته از آفرینندگی‌های بشر تلقی کرده‌اند که براساس این تعریف، کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناها و نیز دانش هماهنگ کردن خود با محیط و نیز آداب و فضیلت‌های اخلاقی و دستورهای

۱ مشبکی، ۱۳۸۰: ۴۳۶

۲ زبیری، ۱۹۹۹: ۴۴

۳ گیدنز، ۱۳۸۱، ۳۱۵

شایست و ناشایست، همگی جزئی از فرهنگ به‌شمار می‌رود و برخی دیگر نیز فرهنگ را آن چیزی دانسته‌اند که از گذشته‌ی آدمی به جای مانده‌است و بر حال و آینده او تأثیر می‌گذارد. واما از میان تعریف‌های اندیشمندان، ادوارد تیلور که یک مردم‌شناس انگلیسی است، گوی سبقت را ربوده و بهترین تعریف از فرهنگ را ارائه کرده است، به نحوی که جامعه شناسان و بزرگان سایر علوم به تعریف وی از فرهنگ تاسی می‌نمایند: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عبادات، رفتار و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را برعهده دارد».^۱

او نخستین کسی است که فرهنگ را از تعریف کلاسیک آن خارج کرد و مترادف با تمدن به کار گرفت و آن را کسب درهم تنیده دانست که شامل دین، هنر، اخلاق و هرگونه توانایی است که آدمی می‌تواند به دست آورد. وی معتقد است فرهنگ «کلیت درهم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، خلاقیت، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌ی که آدمی همچون هموندی از جامعه به دست می‌ورد».

به این معنا انسان «بی‌فرهنگ» و جامعه‌ی «بی‌فرهنگ» در کار نیست، زیرا زندگی اجتماعی، یعنی با هم زیستن، به معنای در فرهنگ زیستن است. زیستن در ابتدایی‌ترین قبیله یا بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین جامعه‌ی تکنولوژیک مدرن، از این جهت یکسان است. زیرا هر دو زیستن در شرایط ویژه‌ی انسان است، یعنی زیستن در فرهنگ. فضای فرهنگی، اگر چه هریک از سازمایه‌های فرهنگ، از نظر صورت و معنا یا سادگی و پیچیدگی، در جامعه‌های گوناگون با هم فرق‌های اساسی دارند.^۲ در سده بیستم میلادی «فرهنگ» به‌عنوان یک مفهوم محوری و کلیدی در انسان‌شناسی به کار رفت و در انسان‌شناسی آمریکایی دارای دو معنی بود:

۱. ظرفیت و گنجایش تکامل یافته بشر برای دسته‌بندی و بیان تجربیات به واسطه نمادها و کنش‌پندار مآبانه و نوآورانه

۲. راه‌های مشخصی که مردم براساس آن در نقاط مختلف جهان زیسته و تجربیات خود را به شیوه‌های گوناگون بیان می‌کنند.^۱

همچنین در تعریف دیگری از فرهنگ چنین است «فرهنگ الگویی از مفروضات مشترک است که گروه فرا می‌گیرد به‌طوری که مشکلات انطباق‌پذیری خارجی و هماهنگی داخل آن را حل می‌کند و سبب عملکرد و تاثیر خویش‌معتبر دانسته می‌شود و از این جهت به مثابه روش صحیح ادراک در خصوص آن مشکلات به اعضای جدید گروه آموزش یاد داده می‌شود».^۲ فرهنگ، از کشور دیگر، از قوم دیگر و حتی از خانواده‌ای به خانواده‌ای دیگر در یک جامعه، متفاوت است؛ بدین‌بار دیگر می‌توان گفت با انواع فرهنگ‌ها روبرو هستیم: «فرهنگ اروپایی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ روستایی، فرهنگ شهرنشینی، فرهنگ آفریقایی، فرهنگ بودایی، الگوهای رفتاری متفاوت و بیان دیگر می‌توان گفت که به تعداد ملل و جوامع مختلف در جهان بشریت، فرهنگ وجود دارد؛ البته با خرده فرهنگ‌ها تعداد آن‌ها چند برابر خواهد شد».

از مهم‌ترین اهداف این کتاب بررسی جنبه‌های فرهنگی شاغل زنان سرپرست خانوار می‌باشد که پدیده بی‌سرپرستی یک پدیده اجتماعی است با زمینه‌ها و ابعاد گوناگون فرهنگی که به علل گوناگون روی می‌دهد. از هم‌گسیختگی خانواده و عوامل گوناگون در جامعه ایران خانواده‌های زیادی را با این پدیده رو به رو کرده است.

از دست دادن پدر خانواده کانون خانواده را دچار چالش‌های گوناگونی می‌کند به‌طوری که این چالش‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی آن‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش پراهمیتی دارد و آنگاه که خانواده گسسته تداوم زمانی پیدا می‌کند و بر کارکرد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانواده به جا می‌گذارد. از این‌رو مادران این خانواده‌ها

که از آنان تحت عنوان زنان سرپرست خانوار نام می‌بریم برای امرار معاش مشغول به فعالیت اقتصادی می‌شوند. این کتاب قصد دارد تصویری دقیق و همه جانبه از اشتغال زنان سرپرست خانوار با تاکید بر جنبه‌های فرهنگی آن ارائه دهد.^۱

www.ketab.ir

مقدمه

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماعی تلقی کرد.

در جهت این پویایی بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیری مستقیم در توسعه جامعه دارند.

در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه‌ی اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می‌شود.

با این حال در اکثر جامعه و به‌ویژه در خاص جوامع در حال توسعه فرصت‌های برابر در دسترس همه‌ی اقشار جامعه نبوده و در مقایسه بین زنان و مردان همواره نوعی نابرابری وجود دارد.^۱

این باعث شده فعالیت‌های اقتصادی زنان در سطح محدودتری و با درآمد کمتر انجام پذیرد.

این نابرابری در مورد زنان سرپرست خانوار به دلیل شرایط خاص‌شان بیشتر حائز اهمیت است.

شواهد موجود در جامعه و نیز رسانه‌ها دلالت به این دارند که امروزه قشر قابل توجه‌ای از جامعه را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهد، زنان سرپرست خانوار کسانی هستند که به دلایل مختلفی از جمله جدایی، فوت همسر و غیره مسئولیت زندگی خود و فرزندان را برعهده دارند.^۲

بر طبق سرشماری سال ۹۰ از ۲۱ میلیون خانوار موجود در کشور ۲ میلیون و پانصد هزار خانوار زن سرپرست هستند و به عبارت دیگر در سال ۹۰ سهم خانواده‌های زن سرپرست

نسبت به سال ۸۵ از ۹/۵ به ۱۲/۵ درصد افزایشی یافته است و در حال حاضر ۱۸ درصد از آن‌ها شاغل و ۸۲ درصد از آن‌ها بیکار می‌باشند. (سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۰، مرکز آمار ایران)

این خانواده‌ها با چالش‌های متعددی مواجه هستند همواره یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های آن‌ها فقر می‌باشد که زن سرپرست خانوار بیشتر از خانوار با سرپرست مرد با آن‌ها گریبان است.

عمده‌ترین چالش‌های زنان سرپرست خانواده در قالب مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد.

عدم آگاهی برای اداره امور اقتصادی خانوادگی نگرش‌های منفی اجتماع نسبت به زن سرپرست خانواده ریشه‌های آن نسبت به آینده فرزندان و تعدد تعارض نقش احضار می‌شود.

گروهی از این زنان به علت این که بان‌اداری امور اقتصادی خود و خانواده خود را ندارند به سازمان‌های حمایتی روی آورده به کمک‌های مردمی و مستمری‌های ناچیز نهادهای حمایتی بسنده کرده و با مسایل زندگی در چارچوب خانه دست و پنجه نرم می‌کنند؛ از سوی دیگر از این زنان علاوه بر ایفای نقش مادری، وارد عرصه اقتصادی و بازار اشتغال شده و امور اقتصادی خانواده را هدایت می‌نمایند و به دلیل عدم دسترسی به مشاغل با منزلت مجبور به اشتغال در مشاغل حاشیه‌ای، نیمه وقت، غیر رسمی، کم درآمد می‌گردند. به عبارت دقیق‌تر تاثیر اشتغال زنان سرپرست خانوار به سازندگی و الگوهای رفتاری این نوع خانواده‌ها که خانواده ناقص نامیده می‌شود از ویژگی‌های خاص برخوردار می‌نمایند.

به همین نسبت اشتغال زنان سرپرست خانوار از یک‌سو به نحوه جامعه پذیری فرزندان خانواده و نیز نحوه معاشرت فرزندان با اقوام و دوستان و همچنین نحوه تحصیل و گذراندن اوقات فراغت کودکان و از سوی دیگر نحوه نگرش زنان سرپرست خانوار با کار فرمایان نیز

چگونگی سکونت آن‌ها در بین اهالی محل ویژگی‌های خاص برخوردار است که ضرورت مطالعه اشتغال زنان سرپرست خانوار را از دیدگاه مردم شناختی مورد تایید قرار می‌دهد. به بیان دیگر می‌توان گفت رابطه چند سویه از نوع زنان سرپرست خانوار از جنبه سکونت، شغل، تحصیل، اوقات فراغت و... در خور پژوهشی، از نوع کیفی می‌باشد تا تصویری دقیق و همه جانبه از این نگرش‌های فرهنگی چند سویه در ارتباط با این خانواده‌ها به دست آید.

www.ketab.ir